



استان چهارمحال و بختیاری، ایران، پاییز ۱۳۹۹، عکاس: نجمه بنی طالبی

نقش زنان در توسعه پایدار

شیرین حاتمی فر^۱، افشین دانه کار^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- استاد، گروه محیط‌زیست طبیعی، دانشکده منابع طبیعی، دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران

* رایانامه نویسنده مسئول: danehkar@ut.ac.ir

چکیده

مشکلات محیط‌زیستی به یکی از نگرانی‌های جدی تمامی انسان‌های روی کره زمین تبدیل شده‌است. امروزه توسعه پایدار، در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی مطرح است. اصطلاح "توسعه" معطوف به ارتقای سطح و کیفیت زندگی افراد و بهبود رفاه جامعه است و "پایداری" آن اشاره به استمرار این فرآیند در طول نسل‌های بشر دارد. توسعه فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست وظیفه دولت است و نیازمند مشارکت همه اقشار جامعه، از جمله مردان، جوانان، کودکان و مهم‌تر از همه زنان است. روش مطالعه حاضر، کتابخانه‌ای است و نشان می‌دهد زنان در صورت توانمندسازی می‌توانند نقش مهمی در حفاظت از محیط‌زیست ایفا نمایند. مشکلات محیط‌زیستی در فرهنگ ریشه دارد و حل این مشکلات نیازمند تغییر فرهنگ افراد است. همچنین لازم است شبکه پیچیده روابط و ساختارهای قدرت ایجادکننده آن شناخته شود و با مشارکت آحاد مردم، حاکمیت و سایر سازمان‌های مردم‌نهاد در جهت بهبود حال زمین اقدام شود.

کلیدواژه‌ها: مشکلات محیط‌زیستی، توسعه پایدار، اکوفمنیسم

مقدمه

مشکلات محیط‌زیستی به یکی از نگرانی‌های جدی تمامی انسان‌های روی کره زمین تبدیل شده‌است. در سطح جهانی، تقریباً نیمی از جمعیت انسانی به‌طور مستقیم برای معیشت خود به منابع طبیعی وابسته‌اند و بسیاری از افراد آسیب‌پذیر برای تأمین نیازهای روزمره خود به تنوع‌زیستی متکی هستند (Sharrock, 2018). شرایط محیط‌زیست و اکوسیستم‌ها در معرض خطرات جدی قرار گرفته‌است؛ آلودگی آب، هوا، فرسایش خاک، بیابان‌زایی و افزایش پسماندهای غیرقابل‌باز یافت از جمله نگرانی‌هایی هستند که به گوش همه آشناست. سازمان بهداشت جهانی (WHO, 2016) تخمین زده‌است که بین سال‌های ۲۰۳۰ و ۲۰۵۰ میلادی، تغییرات اقلیمی ممکن است باعث حدود ۲۵۰ هزار مرگ اضافی در سال شود که ناشی از سوء‌تغذیه، اسهال و تنش‌های حرارتی خواهد بود (Abun & Racoma, 2017). همچنین هم‌اکنون آلودگی هوا مسئول مرگ شش‌ونیم میلیون نفر در جهان است (مجبای، ۱۳۹۶).

امروزه توسعه پایدار، در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به‌عنوان یکی از موضوعات کلیدی مورد توجه قرار می‌گیرد. توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل‌های کنونی را بدون خدشه‌دار کردن توانایی نسل‌های آینده در تأمین احتیاجاتشان برآورده کند (مجبای، ۱۳۹۶). فرهنگ، عامل اصلی و به‌عنوان موتور توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست تعریف می‌شود. بهبودهای محیط‌زیستی زمانی محقق می‌شود که محیط-زیست طبیعی و فرهنگ انسانی به‌هم متصل شوند (ازدری، ۱۳۸۲ به نقل از koohi et al., 2016). توسعه فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست و اکولوژی وظیفه دولت و نیازمند مشارکت همه اقشار جامعه است و مهم‌تر از همه نیاز به توجه زنان دارد. انتشار فرهنگ محیط‌زیستی در هر جامعه‌ای می‌تواند توسط زنان در جامعه انجام شود؛ زیرا

شخصیت فردی جمعیت از مادران آغاز می‌شود (koohi et al., 2016).

Kaiser و همکاران معتقدند افرادی که دانش و آگاهی بیشتری در مورد مسائل محیط‌زیستی دارند به محیط‌زیست و مسائل آن نیز حساس‌تر می‌شوند و رفتار مسئولانه‌ای در قبال محیط‌زیست در پیش می‌گیرند (Kaiser et al., 1999). بنابراین در ابتدا لازم است آگاهی همگانی در خصوص مشکلات محیط‌زیستی و بحران‌های پیش‌رو را ارتقاء داد.

بسیاری از فعالیت‌ها و برنامه‌ها توسط دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی برای مقابله با تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی آغاز یا معرفی شده‌اند تا از وخامت بیشتر وضعیت جلوگیری کنند اما در کشورهای در حال توسعه، اهمیت کاهش مشکلات اقلیمی چندان محسوس نیست (Kaiser et al., 1999).

نظر به اینکه کشور ایران نیز با مشکلات محیط‌زیستی متعددی روبروست، در ابتدا بایستی زنان از مشکلات و معضلات موجود آگاه و توانمند شوند آن‌گاه توانایی انتقال اطلاعات موجود به سایر اعضای جامعه را خواهند داشت که خود، گامی مؤثر خواهد بود. البته نبایستی فقط از زنان انتظار رود که در بحران‌های محیط‌زیستی نقش ایفا کنند و سپس به حاشیه رانده شوند؛ لازم است مشارکت آنان در کنار سایر اعضای جامعه به‌طور پیوسته مد نظر قرار گیرد.

مبانی نظری

زنان به‌عنوان عامل اصلی مدیریت و اصلاح فرهنگ، انتقال‌دهنده دانش و رشد آموزش محیط‌زیست و عامل انتقال میراث اخلاقی و ادراک محیط‌زیستی شناخته می‌شوند. اکوفمینیسم در غرب محصول جنبش‌های صلح، فمینیستی و محیط‌زیستی اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه

اکولوژی یک مسئله فمینیستی است، در مورد ماهیت و مطلوبیت «اکوفمینیسم» اختلاف نظر دارند. از این رو، همان طور که انواع مختلفی از فمینیسم وجود دارد، انواع مختلفی از اکوفمینیسم نیز وجود دارد. اکوفمینیسم براساس ادعاهای اساسی خاصی پایه‌ریزی شده‌است که به وجود ارتباطات مهم بین ستم به زنان و ستم به طبیعت اشاره می‌کند. درک ماهیت این ارتباطات برای درک ستم به زنان و طبیعت ضروری است و در نهایت، هر نظریه فمینیستی باید شامل دیدگاه اکولوژیک باشد و بالعکس (Warren, 1987; Rao, 2012). به گفته اکوفمینیست‌ها، انسان نباید سعی در کنترل طبیعت داشته باشد، بلکه باید با آن همکاری و تلاش کند تا از روابط مبتنی بر قدرت فراتر رود. اکوفمینیست‌ها بر این نکته نیز تأکید دارند که باید به فرآیند اهمیت داد، نه فقط به هدف. برای تغییر ماهیت پدرسالارانه‌ی سیستم، باید قدرت و انرژی از پدرسالاری گرفته شود (Gaard, 1993). نظریه اکوفمینیستی، پیوندهای میان توسعه و جنسیت را به وضوح نشان داده است. این نظریه بر این واقعیت تأکید کرده‌است که خشونت علیه طبیعت و علیه زنان در مدل غالب توسعه، نهاده‌ی شده‌است (Rao, 2012). در دهه ۱۹۶۰، جنبش فمینیستی خواستار برابری زنان در محل کار و تحصیل به عنوان روشی برای دستیابی به یک زندگی رضایت‌بخش بود. تقریباً در همان زمان، کتاب راشل کارسون^۳، بهار خاموش (۱۹۶۲)، توجه را بر تأثیرات آلودگی بر جهان انسانی و غیرانسانی متمرکز کرد و مسئله زندگی روی زمین را به یک موضوع عمومی تبدیل کرد (Rao, 2012).

زنان در محیط‌زیست و توسعه پایدار

توجه به نقش زنان در فرایند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی، ناشی از دو واقعیت مهم عدم تحقق کلی نظریات

۱۹۸۰ بود. اصطلاح «اکوفمینیسم» توسط نویسنده فرانسوی فرانسواز دوبون^۱ در سال ۱۹۷۴ ابداع شد. این مفهوم توسط اینسترا کینگ^۲ در حدود سال ۱۹۷۶ گسترش یافت و در سال ۱۹۸۰، با برگزاری اولین کنفرانس اکوفمینیستی «زنان و حیات در زمین: اکوفمینیسم در دهه ۸۰» در آمهرست، ماساچوست، آمریکا به یک جنبش تبدیل شد (Rao, 2012).

اکوفمینیسم با ارائه دیدگاهی متفاوت نسبت به حقوق زنان و آسیب‌های محیط‌زیستی، استدلال می‌کند که زنان به طور ویژه برای مقابله با تخریب محیط‌زیست مناسب هستند (Li et al., 2024).

نظریه اکوفمینیسم (بوم فمینیسم) میان سرکوب زنان و تخریب منابع طبیعی شباهت‌هایی قائل است. براساس این نظریه، باورها و سنت‌های پدرسالارانه‌ای که تمدن‌ها را پایه‌گذاری کرده‌اند، دیدگاه ما نسبت به طبیعت را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند (Murphy, 2022 به نقل از Li et al., 2024).

آثار اخیر فمینیست‌هایی چون Griffin (۱۹۷۸) و Daly (۱۹۷۸)، Merchant (۱۹۸۰)، King (۱۹۸۱)، Salleh (۱۹۸۴)، Warren (۱۹۸۷ و ۱۹۹۰)، Plumwood (۱۹۹۳) و دیگران، این نکته را برجسته می‌کنند که اکولوژی یک مسئله فمینیستی است. ارتباط بین ستم به زنان و ستم به طبیعت، برای درک «چرا محیط‌زیست یک مسئله فمینیستی است» و همچنین «چرا مسائل فمینیستی را می‌توان از منظر نگرانی‌های محیط‌زیستی مورد بررسی قرار داد» (Gaard, 1993) برجسته می‌کند. با این حال، در مورد ماهیت این ارتباطات و اینکه آیا آن‌ها «بالقوه رهایی‌بخش هستند یا صرفاً توجیهی برای تداوم تبعیض علیه زنان» (King, 1981 به نقل از Rao, 2012) اختلاف نظر وجود دارد. بنابراین، درحالی که بسیاری از فمینیست‌ها موافقت که

1. Francoise d'Eaubonne
2. Ynestra King

3. Rachel Carson

توسعه در بهبود وضعیت کشورهای در حال توسعه و موقعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در این کشورها بود (روح افزا و اکرامی، ۱۳۸۸). زنان در نیروی کار جهانی با نابرابری‌هایی روبه‌رو هستند که ناشی از محدودیت‌های گوناگون اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی از جمله دسترسی محدود به منابع مالی و کمبود امکان جابجایی منابع است. به گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۲۱، افغانستان، بنگلادش، اردن و موریتانی تنها نمونه‌هایی از کشورهایی هستند که کمتر از ۵۰ درصد خودمختاری زنان در آن‌ها وجود دارد (Li et al., 2024). زنان می‌توانند نقش مهمی در حفاظت از محیط‌زیست ایفا نمایند. برای هر نقش موثر و تحقق سیاست‌های اجرایی لازم است به توانمندسازی افراد دخیل توجه شود که زنان عاملان مورد تأکید این مطالعه هستند؛ توانمندسازی زنان یکی از اهداف کلان (هدف سوم) سند توسعه هزاره در سال ۲۰۰۰ است (نیای، ۱۳۹۸). بانک جهانی توانمندسازی را به‌عنوان اولین هدف در امر توسعه شناسایی کرده‌است و محوری بخشیدن به جنسیت را به‌عنوان یک اولویت در کمک به توسعه و در فرآیند اجرای یک استراتژی برای رسیدن به چنین تأثیری می‌داند (نجفی کشکولی، ۱۴۰۰).

تعداد زنان در بین نمایندگان مجلس، میزان شرکت زنان در مشاغل قانون‌گذاری، مدیریتی، حرفه‌ای و تکنیکی و توان مالی زنان سه معرفی هستند که شاخص توانمندسازی جنسیتی یک کشور را نشان می‌دهد (روح افزا و اکرامی، ۱۳۸۸). قدرت تصمیم‌گیری بعد مهمی در بحث توانمندسازی است؛ در واقع توانمندسازی فرآیند قدرتمند شدن زنان است و افزایش توان تصمیم‌گیری ذات توانمندسازی به‌شمار می‌آید. برای تحقق این امر مهم زنان بایستی نقش مؤثر در تصمیم‌گیری داشته و با آزادی عمل بتوانند بر منابع اقتصادی کنترل داشته باشند (نجفی کشکولی، ۱۴۰۰).

مفهوم توسعه پایدار که ابعاد محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی را در بر می‌گیرد، در گزارش برانتلند^۱ در سال ۱۹۸۷ معرفی شد و سپس با رویدادهای مهمی مانند کنفرانس ریو^۲ در سال ۱۹۹۲ و پروتکل کیوتو^۳ در سال ۱۹۹۷ ادامه یافت (Kostakis et al., 2024).

کمسیون جهانی محیط‌زیست، توسعه پایدار را این‌گونه تعریف کرد: توسعه پایدار فرآیند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییر نهادی که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد. به کار بردن واژه توسعه پایدار بعد از کنفرانس ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ که به کنفرانس زمین نیز شهرت دارد، در محافل علمی فراگیر شد و زنان به‌عنوان گروه اصلی در توسعه پایدار شناخته شدند. سال ۱۹۹۴ در برنامه عمل کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه در قاهره، استقلال، برابری و تساوی زنان از اصول اساسی برای توسعه پایدار به حساب آمد (نجفی کشکولی، ۱۴۰۰). بنابراین افزایش عدالت اجتماعی و برابری جنسیتی از پیش‌نیازهای توسعه پایدار به‌شمار می‌آیند.

در بحث زنان و محیط‌زیست توجه به ابعاد زیر ضرورت دارد:

در تغییرات اقلیم و بحران‌های محیط‌زیستی زنان نقش کمتری داشته ولی آسیب‌پذیرترند. زنان خود از بهره‌گیران محیط‌زیست هستند. بهره‌گیری نادرست زنان به‌دلیل فقر، تنگدستی و عدم‌آگاهی ممکن است رخ دهد ولی از مشارکت‌کنندگان در امر مدیریت منابع طبیعی و از آموزش‌دهندگان دانش حفظ محیط‌زیست هستند. نقش زنان روستایی در مسائل مربوط به آب و خاک بیشتر است. بالاین‌حال، زنان به منابع مختلفی مانند حقوق زمین، وام، آموزش و فناوری دسترسی کمتری دارند. اگر زنان همان

1. Brundtland
2. Rio
3. Kyoto

دسترسی به منابع تولیدی را که مردان دارند پیدا کنند، بازدهی مزارع می‌تواند ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش یابد و فشار برای قطع درختان به منظور گسترش زمین‌های کشاورزی – که یکی از بزرگ‌ترین عوامل تغییرات اقلیمی است – را کاهش دهد (United Nations, 2022).

زمانی که مخاطرات اقلیمی مانند سیل، آتش‌سوزی، خشک‌سالی و طوفان رخ می‌دهد، بار مسئولیت زنان افزایش می‌یابد. از آنجا که معمولاً مسئولیت اصلی نگهداری از خانه و اعضای خانواده برعهده زنان است، کودکان، سالمندان، افراد دارای معلولیت و دیگر اعضای جامعه را نجات می‌دهند و مقامات محلی و تیم‌های اضطراری را مطلع می‌سازند. پس از یک رخداد مخاطره‌آمیز طبیعی، زنان معمولاً مسئول مراقبت از بیماران و مجروحان، حمایت از خانواده‌ها و کمک به جوامع در بازسازی و بهبود شرایط هستند. با این وجود، علی‌رغم تأثیر نامتناسب سوانح طبیعی بر زنان و نقش رهبری آن‌ها در بهبود وضعیت پس از سانحه، زنان غالباً از فرآیند شکل‌دهی به سیاست‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌های مربوط به کاهش خطر و افزایش تاب‌آوری کنار گذاشته می‌شوند (United Nations, 2022).

اثرات چالش‌های محیط‌زیستی بر زنان

زنان در آلودگی‌های محیط‌زیستی کمترین نقش و بیشترین آسیب را دارند و وضعیت اضطراری و رو به وخامت اقلیمی نابرابری‌های جنسیتی را دوچندان می‌کند. بحران کمبود آب یکی از معضلات محیط‌زیستی است که کشورهای زیادی با آن روبرو هستند. ولی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، این زنان و کودکان هستند که بار مشقت روزافزون تأمین آب برای خانواده را به دوش می‌کشند. به‌عنوان مثال "آن کارپف"^۱ در کتاب خود تحت‌عنوان

"زنان چگونه می‌توانند سیاره ما، زمین را نجات می‌دهند؟" آورده‌است مسئولیت تأمین آب روزانه معادل ۲۰۰ میلیون ساعت در روز برای زنان و کودکان در سراسر جهان زمان بر و تغییرات اقلیمی این کار را سخت‌تر کرده است. در ادامه کارپف اشاره می‌کند که این وضعیت علاوه‌بر مشکلات جسمی ناشی از حمل بار سنگین برای زنان خطرات مربوط به تجاوزات جنسی را نیز به همراه دارد، چون زنان ناچارند در تاریکی و صبح خیلی زود برای تأمین آب راهی شوند. آلودگی هوای داخل خانه باعث مرگ زودرس ۳/۸ میلیون نفر در سال می‌شود؛ زنان بیشتر از مردان در معرض آلودگی هوای داخل منازل هستند. آن‌ها هنگام تهیه غذا در اتاق‌های کوچک و با تهویه ضعیف دود ناشی از سوزاندن هیزم، زغال‌سنگ، زغال چوب، سرگین حیوانات و نفت چراغ را تنفس می‌کنند (کارپف، ۱۴۰۳).

گرمایش جهانی آسیب‌های بیشتری به زنان در نقش تأمین‌کنندگان سوخت وارد می‌کند. در جنوب آسیا زنان ممکن است در هفته ۲۰ ساعت را صرف تأمین سوخت کنند. از طرفی سوخت‌های زیستی باعث جنگل‌زدایی بیشتر شده که خود بحران اقلیم را تشدید می‌کند. همچنین در سوانح طبیعی چون سیل و خشک‌سالی زنان بیشتر از مردان جان خود را از دست می‌دهند. نزدیک دوسوم افرادی که در موج گرمای شدید اروپا در سال ۲۰۰۳ جان خود را از دست دادند زن بودند و عواقب بعد از آن (مانند قاچاق جنسی) نیز بر زنان بیشتر اثرگذار است (کارپف، ۱۴۰۳).

در چند سال اخیر آتش‌سوزی‌های جنگلی به‌طرز چشمگیری بیشتر و شدیدتر شده‌اند. تغییرات اقلیمی حداقل ۳۰ درصد این احتمال را افزایش می‌دهد. قرار گرفتن طولانی‌مدت در معرض دود آتش، خطرات عوارض بارداری از جمله فشارخون بالا، دیابت بارداری، وزن کم نوزاد هنگام تولد و زایمان زودرس را افزایش می‌دهد. به‌علاوه می‌تواند با رشد و عملکرد جفت تداخل پیدا کند و خطر فلج مغزی یا اختلالات بینایی یا شنوایی جنین را افزایش دهد

1 Anne Karpf

(کارپف، ۱۴۰۳). زنان وظیفه نظافت اصطبل، انتقال فضولات، تیمار دام، تغذیه دام، شیردوشی، تهیه فرآورده‌های دامی و تهیه مواد سوختی از فضولات دام را به عهده دارند و سم‌پاشی اصطبل‌ها برای زنان خالی از خطر نیست (لاهیجانیان و وسکویی، ۱۳۹۵).

تغییرات اقلیمی خود یکی از علل مهاجرت است و به علت شرایط نامساعد زندگی، توسعه فقر و فقدان مواد غذایی کافی، حدود ۳۰۰ میلیون نفر از مردم جهان را مجبور به مهاجرت خواهد نمود (فتحی و موسوی، ۱۳۹۶). در مهاجرت، زنان بیشتر از مردان در معرض انواع آسیب‌ها و خشونت‌ها هستند (کارپف، ۱۴۰۳).

مهمترین نقش زنان در حفظ محیط زیست

زنان کارگر از آغاز زندگی بشر، رابطه نزدیکی با طبیعت داشته‌اند و با جمع‌آوری دانه، ریشه و محصولات کشاورزی برای تغذیه خانواده و جامعه، تجربه زیادی در زمینه مدیریت منابع طبیعی کسب کردند. اعتقاد بر این است که زنان بیشتر با طبیعت و اسرار آن در ارتباط هستند و توانسته‌اند این تجربیات را به نسل‌های آینده به شکلی کامل‌تر منتقل کنند (رحمان سرشت، ۱۳۸۳ به نقل از Koohi et al., 2016). زنان عامل اصلی اصلاح فرهنگ مصرف، برنامه‌ریزان اصلاح محیط زیست در خانه، عامل اصلی انتقال فرهنگ و سواد محیط‌زیستی به نسل‌های آینده بوده‌اند. زنان عامل انتقال میراث معنوی و دانش سنتی محیطی هستند که باید از نو کشف و مورد بهره‌برداری مناسب قرار گیرند. نسلی که در دامن مادران تحصیل کرده و متعهد نسبت به سلامت جامعه و محیط زیست همشهریان بزرگ می‌شود، نسلی مسئول در قبال محیط زیست خواهد بود (شلمزاری و سعادت، ۱۳۸۸).

در اثر تغییر اقلیم و گرم شدن زمین، باران‌ها اکثراً به صورت رگبار و توأم با سیل هستند. تناوب دوره خشک‌سالی در

بیشتر مناطق از جمله آفریقا، خاورمیانه و ایران گسترش می‌یابد و در نتیجه سبب بحران آب خواهد شد (فتحی و موسوی، ۱۳۹۶). پس اولین قدم، پیشگیری از آلودگی آب‌ها است. آموزش استفاده صحیح به کودکان، استفاده منطقی و کاهش مصرف شوینده‌ها از آلودگی آب‌های زیرزمینی می‌کاهد (شلمزاری و سعادت، ۱۳۸۸). از آنجاکه یکی از معضلات محیط‌زیست تولید زباله است و براساس گزارش چشم‌انداز جهانی مدیریت پسماند ۲۰۲۴ که توسط برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد (UNEP¹) تهیه شده‌است، تولید زباله‌های جامد شهری تا سال ۲۰۵۰ به ۳/۸ میلیارد تن در سال خواهد رسید و اگر مشکلات مدیریت پسماند به سرعت حل نشوند، هزینه‌های مرتبط با آن می‌تواند تا سال ۲۰۵۰ تقریباً سه برابر شود (United Nations Environment Programme, 2024). زنان می‌توانند با آموزش استفاده از وسایل قابل‌بازافت یا چند بار مصرف در خانواده، همسایگان، دوستان و یا سایر افراد فامیل در کاهش تولید زباله مؤثر باشند.

زنان در تخریب محیط‌زیست نیز سهم دارند که علت عمده آن در کشورهای در حال توسعه، فقر و تلاش برای بقا از هر طریق و بهره‌کشی زیاد از منابع طبیعی در دسترس است. زنان بیش از ۶۰ درصد افرادی را که زیر خط فقر هستند، شامل می‌شوند (اکبری، ۱۳۹۱). مشکلاتی که بر اثر مصرف نادرست سوخت‌های حیوانی، سم، کود شیمیایی و آبیاری ناصحیح پیش می‌آید با آموزش صحیح زنان روستایی می‌تواند به حداقل کاهش یابد.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه مشکل محیط‌زیستی در فرهنگ ریشه دارد، حل این مشکل نیازمند تغییر فرهنگ یا طرز فکر افراد است. تغییر فرهنگ به معنای تغییر باورها، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و

1 United Nations Environment Program

توسعه پایدار، باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، ۱-۱۰.

فتحی، ج. و موسوی، ا. (۱۳۹۶). ارزیابی نشر و تولید گازهای گلخانه‌ای در ایران و جهان و تاثیر آن بر گرمایش جهانی و محیط زیست. کنفرانس بین‌المللی کارشناسان HSE صنایع نفت، گاز پتروشیمی، فولاد و سیمان و پروژه های عمرانی، شیراز.

کارف، آ. (۱۴۰۳). چگونه زنان سیاره ما، زمین را نجات می‌دهند، (ترجمه پردیس گودرزیان). انتشارات علمی پژوهشی ایران آکادمیا، تهران، ۲۳۶ ص.

لاهیجانیان، ا. ا. و وسکویی، ن. (۱۳۹۵). بررسی توانمندی زنان روستایی در حفظ محیط‌زیست. علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۸ (۴)، ۱۷۵-۱۶۳.

مجبایی، س. م. (۱۳۹۶). گزارش وضعیت محیط زیست ایران و جهان و تشریح عملکردها. مرکز تحقیقات استراتژیک. ۶۷ ص.

نجفی کشکولی، س. (۱۴۰۰). نقش زنان در دستیابی و حفاظت محیط زیست. فصلنامه بین‌المللی قانون یار، ۵ (۱۷)، ۱۰۴۴ - ۱۰۲۹.

نیایی، ا. (۱۳۹۸). نقش زنان و توانمندسازی آنان در توسعه پایدار زیست‌محیطی. مطالعات علوم محیط‌زیست، ۴ (۲)، ۱۳۳۹ - ۱۳۲۸.

Abun, D., & Racoma, A. (2017). Environmental Attitude and Environmental Behavior of Catholic Colleges' Employees in Ilocos Sur, Philippines. *Texila International Journal of Academic Research* 4 (1): 23-52. ff10.21522/tijar.2014.04.01. art003ff. ffhal-02330424f [Filipenco, D. \(2024\). World waste: statistics by country and brief facts. https://www.developmentaid.org/news-stream/post/158158/world-waste-statistics-by-country](https://www.developmentaid.org/news-stream/post/158158/world-waste-statistics-by-country)

ادراک مردم است و تنها پس از آن می‌توان نگرش آن‌ها را نسبت به محیط‌زیست یا طبیعت تغییر داد. بنابراین، ضروری است که دیدگاه‌های جدیدی درباره محیط‌زیست معرفی شود که مردم آن‌ها را بپذیرند تا جایگزین دیدگاه‌های قدیمی درباره محیط‌زیست شود. زنان با توجه به نقشی که در عرصه‌های گوناگون دارند، قادر به تاثیرگذاری بسیار بر محیط‌زیست هستند. در بسیاری از نقاط دنیا به‌ویژه نقاط روستایی، زنان از مهم‌ترین نیروهای درگیر در امر کشاورزی و در نتیجه ارتباط مستقیم با محیط‌زیست هستند. بنابراین براساس نقش زنان شهری و روستایی می‌توان برای توانمندسازی آنان گام‌های موثری برداشت که فقط در صورت آموزش و توانمندسازی آنان می‌توان از مدیریت بهینه زنان در کاهش بحران‌های محیط‌زیستی بهره برد. از سویی دیگر خود زنان قربانیان تغییرات محیط‌زیستی هستند و این درست نیست وقتی خود کمترین نقش در ایجاد این بحران‌ها را داشته‌اند، بار رفع این مشکل را به تنهایی بر دوش آنان انداخت.

منابع

اژدری، ا. (۱۳۸۲). توسعه فرهنگی و محیط زیست، علوم و مهندسی محیط زیست، ۳۹ (۳): ۲۷.

اکبری، ح. (۱۳۹۱). نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست. زن در توسعه و سیاست، ۱۰ (۴)، ۵۶-۳۷.

رحمان سرشت، ح. (۱۳۸۳). مدیریت استراتژیک، تهران: انتشارات فن و هنر، ۴۸۳.

روح افزا، ف. و اکرامی، ع. (۱۳۸۸). ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در راستای اهداف توسعه پایدار، فرهنگ، تابستان، ۷۰ (۷)، ۱۹۴ - ۱۶۹.

شلمزاری، ن. و سعادت، ن. (۱۳۸۸). نقش محوری زنان، ابزاری برای حفاظت از محیط زیست در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار. همایش ملی انسان، محیط زیست و

- Rao, M. (2012). Ecofeminism at the Crossroads in India: A Review, DEP n. 20/, Available Electronically At: www.unive.it/media/allegato/dep/n202012/Ricerche/Casi/11_Rao_Ecofeminism.pdf
- Salleh A. K. (1984). Deeper than Deep Ecology: The Ecofeminist Connection, in "Environmental Ethics", 3, pp. 339-345.
- Sharrock, S. (2018). Botanic Gardens and the 2030 Sustainable Development Agenda. BG journal, 15(1), 14–17.
- United Nations Environment Programme. (2024). Global Waste Management Outlook 2024: Beyond an Age of Waste – Turning Rubbish into a resource. Nairobi.
- United Nations. (2022). Climate Action. Why women are key to climate action. <https://www.un.org/en/climatechange/science/climate-issues/women>
- Warren K. (1987). Feminism and Ecology: Making Connections, in "Environmental Ethics", 9, pp. 3-20.
- Warren K. (1990). The Power and Promise of Ecological Feminism, in "Environmental Ethics", 12, pp. 125-146.
- WHO. (2016). Climate Change and Health, Fact Sheets. Retrieved from <http://www.who.int/mediacentre/factsheets/fs266/en/>.
- Daly M. (1978). Gyn/Ecology: The Meta Ethics of Radical Feminism, Beacon Press, Boston.
- Gaard G. (1993) (ed.), Ecofeminism: Women, Animals and Nature, Temple University Press, Philadelphia.
- Griffin S. (1978). Women and Nature: The Roaring Inside Her, Harper and Row, New York.
- Kaiser, F. G., Wolfing, S, & Fuhrer, U. (1999). "Environmental attitude and ecological behavior". Journal of Environmental psychology. 19, pp 1-19.
- King Y. (1981). Feminism and the Revolt of Nature, in "Heresis", 13, Feminism and Ecology, 4.
- Koohi, E., Shobeiri, S. M., Koohi, E., & Meiboudi, H. (2016). Women's participation in Environmental Management and Development Promotion Culture. International Journal of Resistive Economics, 4(1), 23-35.
- Kostakis, I., Angeletopoulou, P, & Polyzou, E. (2024). Women in parliaments: Can they enhance environmental sustainability in the EU? Cleaner Production Letters, 7, 100065.
- Li, J., Li, J., Nassani, A.A., Naseem, I., & Zaman, K. (2024). The impact of women's empowerment and access to finance on greenhouse gas emissions: A framework for securing environmental tranquility. Borsa Istanbul Review, 24(2): 341-351, ISSN 2214-8450
- Merchant C. (1980). The Death of Nature: Women, Ecology and the Scientific Revolution, Harper and Row, San Francisco.
- Murphy, P. D. (2022). Ecofeminism and literature. In The Routledge handbook of ecofeminism and literature (pp. 1–14). Routledge
- Plumwood V. (1993). Feminism and the Mastery of Nature, Routledge, London.



The Role of Women in Sustainable Development

Shirin Hatamifar¹, Afshin Danehkar^{2*}

1- PhD student of demography, University of Tehran, Tehran, Iran

2- Professor, Department of Natural Environment, Faculty of Natural Resources, College of Agriculture & Natural Resources, University of Tehran, Karaj, Iran

*Corresponding Author's E-mail: danehkar@ut.ac.ir

Abstract

Environmental problems have become a serious concern for all people on Earth. Today, sustainable development is considered a key concept in many economic, social, and political planning. The term "development" refers to improving the level and quality of life for individuals and enhancing the welfare of society, while "sustainability" refers to the continuation of this process across generations. Developing a culture of environmental conservation is the responsibility of the government and requires the participation of all segments of society, including men, youth, children, and most importantly, women. The research method is library-based. Women, if empowered, can play a significant role in environmental conservation. Environmental problems are rooted in culture; solving these problems requires changing people's culture. It is also necessary to understand the complex network of relationships and power structures that create these problems, and to take action to improve the state of the Earth with the participation of all people, the government, and other non-governmental organizations.

Keywords: Environmental Issues, Sustainable Development, Ecofeminism